

مضامین زیارت اربعین

چکیده

زیارت اربعین که یکی از پنج علامت مؤمن شمرده می‌شود، تجدید میثاق با امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام است. هدف این زیارت، نشان دادن دوستی و وفاداری به راه این بزرگواران و اعلام آمادگی برای جان‌فشانی در این راه، ابراز دشمنی و برائت از قاتلان و دشمنان آنان، بیان مواضع و همبستگی با خط اهل بیت علیهم السلام، ابراز ایمان و تبعیت و تسلیم در برابر آن حضرت، شناخت چهره‌های حق و باطل و ترسیم سیمای امام حسین علیه السلام و ویژگی‌های ایشان و فلسفه نهضت عاشورا است.

دقت و تدبر در متن و محتوای زیارت اربعین، زائران و محبان سیدالشهدا علیه السلام را از معارف ناب و مفاهیم بلند آن بهره‌مند می‌کند. این مقاله مضامین و محورهای اصلی این زیارت را در چهارده بند ترسیم کرده که با ترسیم سیمای امام حسین علیه السلام آغاز می‌شود و با درخواست صلوات خدا و درودهای پروردگار به آن حضرت و خاندان پاکش پایان می‌یابد.

واژگان کلیدی: زیارت اربعین، امام حسین علیه السلام، اهل بیت علیهم السلام، معارف ناب، مفاهیم بلند.

در حدیث معروف امام حسن عسکری علیه السلام «زیارت اربعین»، یکی از پنج علامت مؤمن شمرده شده است؛ چه بر سر تربت و مزار سیدالشهدا علیه السلام خوانده شود و چه از راه دور؛ بنابر آنچه به دست ما رسیده است. مهم، توجه به مفاهیم مطرح شده در این زیارت است. پیش از پرداختن به مضامین بلند این زیارت شریف، لازم است اشاره‌ای به سند آن کنیم.

متن زیارت اربعین را حضرت صادق علیه السلام به صفوان بن مهران (معروف به صفوان جمال) آموخته است و فرموده که این زیارتنامه را هنگامی که آفتاب روز اربعین برآمد و روز بلند شد، بخواند. این توصیه، اهمیت این زیارت مأثور را می‌رساند.

حدیث را سید بن طاووس با سند خویش از صفوان روایت می‌کند. متن زیارت، در «اقبال الاعمال» سید بن طاووس، «المزار الکبیر» محمد بن جعفر مشهدی، «المصباح» کفعمی و «مصباح المتهجد» شیخ طوسی آمده است. علامه مجلسی هم در جلد ۹۸ بحار الانوار، به نقل از تهذیب شیخ طوسی آن را نقل کرده است. گرچه در بعضی کلمات، تفاوت‌های جزئی میان نقل‌ها دیده می‌شود، ولی کلیت آن ثابت و یکسان و معتبر می‌باشد.^۱

بنابراین شایسته است که در متن و محتوای «زیارت اربعین»، دقت و تدبّر شود، تا زائران و محبان سیدالشهدا علیه السلام از معارف ناب و مفاهیم بلند آن مستفیض شوند. محورهای عمده این زیارتنامه را می‌توان چنین برشمرد:

۱. ترسیم سیمای امام حسین علیه السلام

زیارت اربعین، همچون بسیاری از زیارتنامه‌های دیگر با «سلام» آغاز می‌شود که نشانه تولای شیعی نسبت به اولیای دین است و مخاطب این سلام، با اوصاف و القابی یاد می‌شود که هر کدام، بُعدی از ابعاد شخصیت سیدالشهدا علیه السلام را نشان می‌دهد. از آن حضرت، با عناوینی همچون ولیّ خدا، حبیب خدا، خلیل خدا، برگزیده خدا، شهید مظلوم، گرفتار رنج‌ها و مصیبت‌ها و کشته اشک‌ها یاد می‌شود: «... السلام علی اسیر الکُربّات و قتل العَبّرات ...».



زیارت اربعین، همچون بسیاری از زیارتنامه‌های دیگر با «سلام» آغاز می‌شود که نشانه تولای شیعی نسبت به اولیای دین است و مخاطب این سلام، با اوصاف و القابی یاد می‌شود که هر کدام، بُعدی از ابعاد شخصیت سیدالشهدا علیه السلام را نشان می‌دهد.

پس از بیان این اوصاف و مقامات، زائر در پیشگاه خدا شهادت می‌دهد که آن امام شهید، ولیّ خدا و فرزند ولیّ خدا و صفیّ پروردگار و فرزند صفیّ خداست، تا این گواهی، عمق ایمان و باور زائر را نشان دهد و این اعتقادات را در جان او بنشانند.

۲. ویژگی‌های امام حسین علیه السلام

در فراز بعد، به برخی از اوصاف ویژه و کرامت‌ها و ارجمندی‌های آن امام شهید اشاره شده است. از جمله این که: آن حضرت، به کرامت الهی در سایه شهادت، نائل آمده است؛ آن حضرت، از سعادت ویژه‌ای که عنایت الهی است برخوردار است؛ طینت و سرشت او و ولادتش، پاک و پاکیزه و دور از هر آلودگی است؛ او یکی از سروران و یکی از رهبران و یکی از مدافعان حق او، میراث‌دار خط انبیا و حجّت الهی بر همه بندگان خداست.



درباره نهضت عاشورا تحلیل‌های گوناگونی ارائه می‌شود و اهداف مختلفی برای آن قیام خونین بیان شده است. آنچه در این زیارتنامه مطرح است، «هدف هدایت و نجات و بیداری امت» است. آن حضرت در دعوت مردم به راه خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و احکام قرآن چنان عمل کرد که راه عذر و بهانه را بر همه بست.

۳. فلسفه قیام عاشورا

درباره نهضت عاشورا تحلیل‌های گوناگونی ارائه می‌شود و اهداف مختلفی برای آن قیام خونین بیان شده است. آنچه در این زیارتنامه مطرح است، «هدف هدایت و نجات و بیداری امت» است. آن حضرت در دعوت مردم به راه خدا و سنت پیامبر ﷺ و احکام قرآن چنان عمل کرد که راه عذر و بهانه را بر همه بست و اتمام حجت نمود: «فَاعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ، وَمَنْحَ النُّصْحِ».

گاهی بیداری جامعه و شکستن جو خفقان و مبارزه با بدعت‌ها و انحراف‌ها، «خون» می‌طلبد. امام، خون قلب خویش را در راه خدا نثار کرد: «وَبَدَلَ مُهَجَّتَهُ فَبِكَ»، با این هدف که مردم را از جهالت و گمراهی درآورد و فضای حیرت و سرگشتگی را بشکند و تکلیف بندگان خدا را روشن کند: «لَيْسَتْ تَقْدَّ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ». درباره عبرت‌های عاشورا و جهل و بی‌بصیرتی مردم بسیار سخن می‌توان گفت. وضع جامعه به گونه‌ای شده بود که تنها خون مطهر فرزند رسول خدا ﷺ می‌توانست انقلابی ایجاد کند و زلزله‌ای در ارکان حکومت اموی که بر پایه جهل مردم استوار بود، بیافکند.

۴. شناخت چهره مخالفان

چه کسانی، با چه ویژگی‌هایی و با چه اهدافی به جنگ با امام حسین ﷺ آمدند و دست به آن جنایت عظیم زدند؟ هدفشان چه بود که جز با کشتن ثارالله به آن نمی‌رسیدند؟ فراز بعدی، ویژگی‌های گروه‌های ائتلافی بر ضد ولی خدا را - که در حقیقت بروز بغض و کینه‌های دیرین‌شان از صدر اسلام بود - ترسیم می‌کند:

- فریب خوردگان دنیا: «عَرَّتُهُ الدُّنْيَا»؛
- فروختن آخرت به بهای ناچیز دنیا: «وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ»؛
- هواپرستی: «وَتَرَدَّىٰ فِي هَوَاهُ»؛
- به خشم آوردن خدا و پیامبر و امام؛
- پیروی از منافقان و تفرقه‌افکنان و گنه کاران.



۵. جهاد تا شهادت

جهاد در راه خدا، همراه با صبر بر ادای تکلیف و اخلاص در مبارزه و ادامه جهاد تا مرز شهادت و حتی پس از شهادت، یعنی اسارت آزادی بخش آل الله، تضمین کننده حیات و بقای دین و خنثی کننده توطئه امویان ضد اسلام بود: «فَجَاهِدْهُمْ فَيَكُ صَابِرًا مُّحْتَسِبًا، حَتَّى سُنْفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ، وَاسْتُنْبِيحَ حَرِيمَهُ».

احیای دین و مبارزه با بدعت‌های ضد اسلامی، قربانی و فدایی می‌خواهد. آن که گام در این راه می‌نهد، هم باید اهل جهاد باشد، هم صبر و مقاومت، هم اخلاص، هم آمادگی برای فدا کردن خون و تحمّل هتک حرمت‌ها نسبت به خودش و خانواده‌اش. امام، عزیز خدا و رسول خدا ﷺ بود، اما در صحرائی سوزان به محاصره آن نامردان گرفتار شد. تشنگی خود و فرزندان و یارانش، عریان کردن پیکر پاکش، بریدن سرش، بر نیزه کردن سر مطهرش، آتش زدن خیمه‌ها، اسب تاختن بر جسد مطهرش، غارت خیام، به اسیری گرفتن اهل بیت ﷺ و ... همه در راه خدا بود و آن حضرت، با گفتن «الهی رضی بقضائک» خود را برای همه این مصائب آماده ساخته بود.

۶. لعن و تبرّی از دشمنان

در بسیاری از زیارت‌نامه‌ها، در کنار سلام به عنوان موالات و همسویی، «لعن» دشمنان هم دیده می‌شود که نشانه تبرّی از ظالمان و دشمنان اهل بیت ﷺ است. هم لعن زائر بر قاتلان و کافران و هم درخواست لعن الهی بر آنان که نمونه‌اش در این زیارت وارد شده است: «اللَّهُمَّ فَالْعَنُهُم لَعْنًا وَبِيلاً».

درخواست لعنت و عذاب خدا بر جنایتکاران عاشورا، روح معادات و تبرّی را می‌رساند و زائر را در خطّ دشمنی با دشمنان خدا و پیامبر ﷺ ثابت قدم تر می‌سازد.

۷. پیوند امام با خطّ رسالت

وقتی در زیارت امام حسین ﷺ، پیامبر و امیر مؤمنان و خاندان نبوت و عصمت ﷺ را می‌خوانیم، تأکیدی بر ارتباط آن شهید با این خاندان رفیع و نورانی است. در زیارت دیگر نیز چنین است که بر امام حسین ﷺ به عنوان فرزند پیامبر، فرزند فاطمه ﷺ، فرزند امیر مؤمنان ﷺ، وارث انبیا ﷺ، امین خدا، فرزند امین خدا، فرزند وصی خدا، فرزند وصی پیامبر سلام می‌دهیم

تا این پیوند را آشکار و علنی سازیم و این نکته، خنثی کننده توطئه دشمنان است که می‌کوشند شهدای کربلا را جدا از دودمان نبوت و آل الله معرفی کنند.

۸. حیات سعادت‌مندان

از سخنان امام حسین علیه السلام است که فرمود: «موتٌ فی عزٍّ خیراً من حیاةٍ فی ذلٍّ»؛ مرگ عزتمندان بهتر از زندگی ذلیلانه است.

در فراز دیگری از زیارت، از آن امام شهید به عنوان کسی یاد می‌شود که زندگی‌اش سعادت‌مندان «عِشْتَ سَعِيداً» و مرگش ستوده و خدا پسند «مَضِيَّتْ حَمِيداً» و شهادتش مظلومانه «مَظْلُوماً شَهِيداً» بود.

خداوند هم وعده نصرت و عزت و حیات ابدی به کشتگان راه خدا و مجاهدان راه حق و هم وعده نابودی مستکبران و کيفر ظالمان را داده است؛ چه به سرعت و چه در زمانی طولانی؛ چه در دنیا و چه در آخرت. این است که زائر، بر حتمی بودن وعده‌های الهی در این موارد تأکید می‌کند: «وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ، وَمُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ».

۹. بی‌زاری از همفکران اهل ظلم

در فرهنگ دینی، هم جنایتکاران و ظالمان مطرود و ملعونند و هم کسانی که هر چند در ظاهر ساکت بوده‌اند و با جنایتکاران همکاری نداشته‌اند، ولی در دل و باطن به کار آنان راضی بوده‌اند، شریک جرم‌اند. این حقیقت، در زیارت‌های متعددی (از جمله زیارت عاشورا) آمده است. در این جا هم لعنت خدا بر کسانی است که امام را کشتند و به او ظلم کردند و بر جماعتی است که این واقعه را شنیدند، ولی به آن راضی و

◆ جهاد در راه خدا، همراه با صبر بر ادای تکلیف و اخلاص در مبارزه و ادامه جهاد تا مرز شهادت و حتی پس از شهادت، یعنی اسارت آزادی‌بخش آل الله، تضمین کننده حیات و بقای دین و خنثی کننده توطئه امویان ضد اسلام بود: «فَجَاهِدْهُمْ فَيَكُ صَابِراً مُحْتَسِباً، حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ، وَأَسْبِيحَ حَرِيمَهُ».

خشنود بودند. ساکتان در برابر فتنه و رضایت دهندگان قبلی به عمل دشمنان خدا و رسول ﷺ، با آنان همسو و هم‌سرنوشت شمرده می‌شوند: «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ». از این رو، شیعه زائر، موضع خود را شفاف و روشن بیان می‌کند و خود را در خط اولیای خدا و در مقابل دشمنان خدا و اهل بیت ﷺ اعلام می‌دارد و خدا را هم بر این موالات و معادات، گواه می‌گیرد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ». و سرانجام این پیروی از خاندان عصمت و ولایت‌پذیری از آنان، آمادگی برای بذل جان خود و پدر و مادر و عزیزانش در راه آنان است: «بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ».

۱۰. باز هم تأکید بر دودمان پاک

«أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ»

این فراز، گواهی بر دودمان پاک پیامبر ﷺ، طهارت و شرافت نسبت اهل بیت ﷺ، دوری از آلودگی‌های اعتقادی و اخلاقی دوران جاهلیت است. آیه تطهیر در قرآن (احزاب/۳۳) بر طهارت کامل و عصمت اهل بیت پیامبر ﷺ گواهی می‌دهد. بحث از نیاکان پاک و موحد ائمه اطهار ﷺ و تبارشناسی توحیدی این خاندان، نکته دیگری است که در این زیارت بر آن تأکید شده است.

۱۱. جایگاه والای امامت و ائمه ﷺ

نقشی که امامان شیعه، از جمله سیدالشهدا ﷺ در جامعه اسلامی داشته‌اند، نقش هدایت، رعایت، اعانت و حفاظت از آیین و اهل ایمان بوده است. این خاندان، هم تکیه‌گاه مسلمانان، هم ستون اسلام و هم پناهگاه شیعه بودند. امام در این فقره از زیارت، یکی از دعائم دین، ارکان مسلمین و معقل مؤمنین به شمار آمده و با اوصافی چون: برّ، تقی، رضی، زکی، هادی و مهدی معرفی شده است، که همه امامان چنین بوده‌اند؛ افزون بر این که امام حسین ﷺ پدر بقیه امامان بعدی است. این از ویژگی‌های آن حضرت در روایات بیان شده که ائمه، از نسل اویند. این ویژگی‌ها، به‌خصوص حجت بودنشان «والحجة علی اهل الدنیا» جایگاه رفیع آنان را در منظومه فکری و عملی و اجتماعی و سیاسی امت پیامبر ﷺ نشان می‌دهد و تبعیت از این نشانه‌های هدایت را ضامن درستی راه و رسیدن به مقصد می‌داند.

۱۲. ایمان، تسلیم، تبعیت

این سه عنصر، عوامل اصلی هدایت و سعادت در خطّ ائمه علیهم السلام است. ما شیعیان، به امامت آنان ایمان داریم «مؤمن بکم» و رجعت آنان در آخر الزّمان را باور کرده ایم «وَبِأَيِّكُمْ مُوقِنٌ» و با همه آیین ها و سنت های دینی آن را ابراز می کنیم و تسلیم و محض و تبعیت کامل نسبت به آنان داریم؛ چه در مرحله قبلی، چه در مرحله عملی: «وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ». این ایمان و تسلیم و تبعیت، عنصر دیگری را می طلبد به نام «نصرت». همان گونه که یاران امام حسین علیه السلام در کربلا به او ایمان داشتند و تسلیم فرمان و تابع حرکت امام بودند و با همه توان از آن حضرت دفاع کردند تا به فیض شهادت رسیدند، زائر حسینی در اربعین هم، همین مراتب و مراحل را ابراز می دارد و همه توان و امکانات خویش را در راه ائمه علیهم السلام قرار می دهد، تا خداوند اذن دهد و دولت کریمه اهل بیت، با رهبری حضرت ولیّ عصر (عج) شکل گیرد: «وَنُصْرَتِي لَكُمْ مَعْدَةٌ، حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ».

این که امروز یاری ما به این خاندان چگونه می تواند باشد، جای تأمل و سخن بسیار دارد. کدام عمل، در راستای مواضع ائمه به شمار می آید؟ امکانات قابل عرضه ما برای «نصرت» چیست؟ زیرا فقط با شعار «گوش به فرمان تویم» مشکلی حلّ نمی شود.

۱۳. اعلام مواضع

در زیارت جامعه کبیره، زیارت عاشورا و زیارت های دیگر، از جمله در همین زیارت اربعین، این تعبیر دیده می شود: «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ»؛ این یعنی داشتن موضع، گوناگون ظهور و بروز دارد.

در فرهنگ دینی، هم جنایتکاران و ظالمان مطرود و ملعونند و هم کسانی که هرچند در ظاهر ساکت بوده اند و با جنایتکاران همکاری نداشته اند، ولی در دل و باطن به کار آنان راضی بوده اند، شریک جرم اند. این حقیقت، در زیارت های متعددی (از جمله زیارت عاشورا) آمده است.

اعلام موضع، پایداری بر سر موضع، همسو نشدن با دشمنان و حمایت از خطّ ائمه علیهم السلام. این «معیت» و همراهی با ائمه چگونه است؟ اگر امامان در عصر ما حضور داشتند، در جناح‌بندی‌های سیاسی در کدام جهت بودند؟ در مسائل بین‌المللی چه موضعی داشتند؟ با استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل و گروه‌های تکفیری و حکومت‌های مزدور بیگانه و حاکمان وابسته به استکبار چه برخوردی داشتند و نسبت به مسائلی همچون فلسطین چه موضعی می‌گرفتند؟ شناخت ما از ائمه، موضع آنان را به ما نشان می‌دهد. خطّ ائمه، امروز هم جلوه‌ها و نمادهایی دارد؛ همچنان که خطّ دشمنانشان نیز، در اشکال گوناگون ظهور و بروز دارد. این فراز زیارت، باز هم تأکیدی بر تولی و تبری است.

۱۴. درود پایانی

پایان بخش زیارت، این فراز است: «صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلَىٰ أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ، وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ». در این فراز، اولاً در احترام و بزرگداشت آنان، «صلوات خدا» را بر آنان خواستار شده‌ایم، که برتر از درودهای ما بندگان است. ثانیاً درودهای الهی را نسبت به همه آنان و همه جوانب حیاتشان خواستار شده‌ایم؛ چه بر روح و جانشان، چه بر پیکرهای مطهرشان، چه بر آنان که هستند یا نیستند، چه ظاهر و چه باطن، که شامل امامان معصوم شهید علیهم السلام نیز می‌شود که آمده‌اند و رفته‌اند، هم بر امام عصر که هم «ظاهر» است (هرچند از دید ما غایب است) و هم «شاهد» است. (هرچند ما او را نمی‌بینیم).

نتیجه‌گیری

زیارت اربعین، نوعی «تجدید میثاق» با امام حسین علیه السلام و اهل بیت و امامان معصوم علیهم السلام است. ابراز وفاداری نسبت به آنان و راه و مرامشان، ابراز عداوت و برائت نسبت به قاتلان و دشمنان آنان، تولی و تبری، اعلام آمادگی برای جان‌فشانی در راه مقدّس آنان، بیان مواضع و همبستگی با خطّ نورانی اهل بیت پیامبر، تبعیت و تسلیم و نصرت، شناخت چهره‌های حق و باطل و رهبران «نور» و «نار» و مسئله جهاد و شهادت و خطّ ایثارگری در راه مکتب و عقیده، که دستاورد شناخت فلسفه عاشورا و قیام حسینی است.



این سرفصل‌ها در زیارت اربعین بازگویی می‌شود و زائر حسینی این باورها را از دل بر زبان جاری می‌کند، تا زمینه رسوخ قلبی و نمود اجتماعی آن فراهم آید.

توفیق الهی نصیبان باد تا در اربعین حسینی، آن امام شهید را با این زیارتنامه زیبا و پرمعنا که آموزه حضرت صادق علیه السلام به شیعه است، در کنار حرم باصفایش زیارت و عرض ادب کنیم؛ آمین.

پی‌نوشت:

۱. ر.ک: موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام، مؤسسه الامام الهادی، ج ۳، ص ۴۲۹.